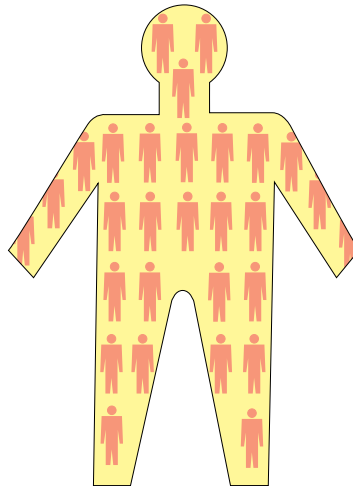


شکل‌گیری زندگی اجتماعی

- انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این فصل بتواند :
- ۱- تأثیر شناخت صحیح مسائل را در تصمیم‌گیری فرد توضیح دهد.
 - ۲- شناخت حاصل از تجربیات زندگی را با شناخت علمی مقایسه کند.
 - ۳- ویژگی‌های اساسی «گروه» را بیان کند.
 - ۴- چگونگی تأثیر جامعه را بر رفتار انسان شرح دهد.
 - ۵- نقش هنجار (الگوی عمل) را در تعیین رفتار اجتماعی انسان تجزیه و تحلیل کند.
 - ۶- مفهوم «ارزش» را توضیح دهد.
 - ۷- چگونگی شکل‌گیری گروه‌های گسترده‌تر را شرح دهد.
 - ۸- رابطهٔ هماهنگی یا تضاد گروه‌های مختلف را با تکامل یا اختلال جامعه بیان کند.
 - ۹- چگونگی تأثیر روابط با دیگران و طرز تلقی آنان را در تقویت خودآگاهی فرد شرح دهد.
 - ۱۰- نقش ارادهٔ فردی را در گسستن از یک گروه و پیوستن به گروه دیگر بیان کند.
 - ۱۱- انواع آسیب‌های گروهی را تشخیص دهد.
 - ۱۲- تأثیر آسیب‌های گروهی را بر فرد تجزیه و تحلیل کند.



شناخت محیط اجتماعی

همه شما در دوره‌ای قرار دارید که از آن به نوجوانی و جوانی تعبیر می‌شود؛ کودکی را پشت سر گذاشته‌اید و بزرگ‌سالی را پیش رو دارید. دوره آسوده بودن و بی‌مسئولیتی را گذرانده‌اید و در آستانه دوره جدیدی هستید که باید بیندیشید، تصمیم‌گیری کنید و مسئولیت زندگی خود و حتی دیگران را بر عهده بگیرید. در این دوره، اندیشیدن به پاره‌ای پرسش‌ها از اشتغالات فکری شما خواهد بود؛ مانند :

– جهان هستی از کجا آمده است و به کجا می‌رود؟

– جایگاه من در جهان هستی کجاست؟

– در کدام رشته به تحصیل ادامه دهم؟

– در آینده چه شغلی را انتخاب کنم؟ چرا؟

– در تعیین سرنوشت جامعه خود چه سهمی می‌توانم داشته باشم؟

– و ...

این اندیشه‌ها و پاسخ پرسش‌هایی از این قبیل، مبنای عمل شما برای زندگی آینده است. پاسخ شما به این پرسش‌ها با توجه به دانسته‌هایتان ممکن است درست یا نادرست باشد.

نتایج شناخت نادرست از محیط اجتماعی

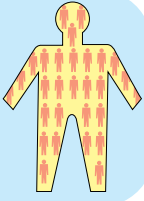
اگر فرد در مرحله نوجوانی و جوانی بدون شناخت درست از شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه خویش، تصمیم بگیرد و دست به عمل بزند، موفق نخواهد شد؛ مثلاً :

– بسیاری کسانی که بدون شناخت درست از شرایط اقتصادی و اجتماعی و استعدادها

و توانایی‌های خود شغلی را انتخاب می‌کنند و در آن توفیق نمی‌یابند؛

– بدون شناخت درست از شرایط اجتماعی همسر انتخاب می‌کنند و در زندگی

زناشویی با شکست روبه‌رو می‌شوند؛



– بدون شناخت درست از محیط اجتماعی به فعالیت‌های سیاسی دست می‌زنند اما به هدف خود دست نمی‌یابند و از میدان سیاست کنار می‌روند؛

– به دلیل نداشتن شناخت درست از دوستان و گروهی که به عضویت آن در می‌آیند، به دام اعتیاد می‌افتند و تا پایان عمر با نتایج تلخ و ناگوار این انتخاب نادرست دست به گریبان خواهند بود.

– و ...

آینده شما به میزانی چشمگیر، به شناختی بستگی دارد که در این مرحله زندگی خود از محیط اجتماعی به دست می‌آورید. شناختی ناقص که بر پایه احساسات قرار گیرد و از واقعیت‌های زندگی دور باشد، می‌تواند آثاری زیان‌بار بر زندگی آینده شما داشته باشد؛ بنابراین، تلاش برای دست‌یابی به شناختی دقیق‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت، شناختی که توانایی شما را برای درک محیط اجتماعی افزایش دهد، تلاشی مطلوب خواهد بود.

فعالیت ۱-۱ رشته تحصیلی را که انتخاب خواهید کرد، در نظر بگیرید (نظری – فنی و حرفه‌ای – کاردانش) و درباره موارد زیر در کلاس گفت‌وگو کنید؛

۱- برای انتخاب این رشته چه ملاک‌هایی را در نظر داشته‌اید؟

۲- این شناخت را چگونه به دست آورده‌اید؟

۳- آیا این شناخت درست بوده است؟ چرا؟

شناخت جامعه

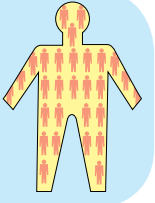
فرد با زندگی در اجتماع، از محیط خویش شناخت به دست می‌آورد. این شناخت گاه نتیجه تجربه خود فرد است و گاه حاصل تجربه‌ای است که از طریق پرسش از دیگران و یادگیری به او منتقل می‌شود. فرد با تکیه بر این شناخت، تصمیم‌گیری می‌کند و در مسیر زندگی گام برمی‌دارد.

همه افراد کم و بیش به این شناخت دست پیدا می‌کنند. هرچه فرد تجربه بیشتری داشته باشد یا از اطلاعات دیگران بیشتر استفاده کند، دامنه این شناخت گسترده‌تر خواهد

شد. این نوع شناخت از محیط اجتماعی را **شناخت حاصل از زندگی**^۱ می‌نامیم. در کنار این نوع شناخت از محیط اجتماعی، **شناخت علمی**^۲ جامعه قرار دارد که عالم اجتماعی آن را عرضه می‌کند. شناخت علمی تنها با زندگی در جامعه حاصل نمی‌شود؛ مطالعه منظم و دقیق رفتار و عمل انسان و زندگی جوامع مختلف و تحولات آنها همراه با تفکر منطقی عالم را به این نتایج می‌رساند؛ تا جایی که ممکن است نظر عالم اجتماعی با نظر پذیرفته شده در جامعه مغایر باشد. شناخت حاصل از زندگی، مفید و سودمند است و شناخت علمی می‌تواند آن را تکمیل و حتی تصحیح کند. چنین شناختی به ما توانایی می‌دهد که شرایط زندگی اجتماعی خویش را بهتر بشناسیم و برای تحقق اهداف خویش، راه‌های سنجیده‌تری را برگزینیم.

۱- Common Sense

۲- Scientific Knowledge



شکل‌گیری گروه

اجتماعی بودن انسان

شما در روزهای خوش کودکی دوستانی داشتید که همیشه باهم بودید؛ باهم بازی و قهر و آشتی می‌کردید. اگر امروز آن هم‌بازی‌ها با شما نیستند، در عوض، در مدرسه دوستانی صمیمی دارید که تعداد آنها ممکن است به اندازه هم‌بازی‌های دوران کودکی شما یا حتی کمی بیشتر باشد. آنها در ساعت‌های تفریح، در بیرون از مدرسه و در روزهای تعطیل، خیلی بیشتر از سایر هم‌کلاسی‌ها با شمایند.

تنها شما نیستید که چنین دوستانی دارید. معلم‌های شما هم چنین‌اند. پدر و مادر شما هم با چند نفر از همکاران خود بیشتر می‌جوشند؛ بنابراین، به هرجا و هر سطحی از زندگی اجتماعی پا بگذارید، این واقعیت را خواهید دید.

تلاش افراد برای **برقراری رابطه با یکدیگر**، واقعیتی است که همیشه و در همه‌جا شاهد آن هستید:

– باز کردن سر صحبت در اتوبوس و مسیر رفت و آمد

– اظهار محبت به دیگران و همدلی با آنان

– نگاه محبت‌آمیز یک سال‌خورده به یک کودک

– و ...

اینها نمونه‌های تلاش افراد برای برقراری رابطه با یکدیگر و کوشش برای پیدا کردن دوست و هم‌صحبت است.

به راستی دوستی افراد با یکدیگر و تلاش آنها برای برقراری رابطه و دوست‌یابی برای چیست؟ چرا افراد در همه دوره‌های زندگی در پی یافتن دوستانی صمیمی یا برقراری رابطه‌ای هرچند موقت و محدودند؟

بسیاری از اندیشمندان تلاش کرده‌اند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند. عالم اجتماعی

این تلاش را ناشی از «میل طبیعی انسان به اجتماعی زندگی کردن و تأمین نیازهای انسانی» می‌داند؛ خواسته‌ها و نیازهای انسان او را به برقراری روابط اجتماعی با دیگران سوق می‌دهند و موجب تداوم حیات جامعه می‌شوند.

فعالیت ۱-۲ نخستین روزی را که وارد دبیرستان شدید، در نظر آورید و حداکثر در سه سطر، توضیح دهید که چگونه و چرا با دیگران رابطه برقرار کردید.

تعامل اجتماعی

انسان معمولاً براساس یک میل طبیعی می‌خواهد با دیگران رابطه برقرار کند. او این میل طبیعی را در قالب یک عمل مثلاً:

– لبخندی دوستانه

– تعارف یک بیسکویت

– نگاهی منتظرانه

– بیان جمله‌ای درباره‌ی هوا

– و ...

نشان می‌دهد. اگر فرد دیگری با لبخند زدن، تشکر کردن و... به این عمل پاسخ دهد، میان آنها رابطه‌ی اجتماعی برقرار می‌شود. در این حالت می‌گوییم آنها با هم **تعامل اجتماعی** دارند.

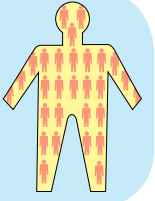
شکل‌گیری «ما»: با شکل‌گیری تعامل اجتماعی، افراد سعی می‌کنند **مشترکات و مشابهت‌هایی میان خود و دیگری** بیابند یا آنها را تقویت کنند؛ مثلاً:

– از محل و مکان یکدیگر می‌پرسند و با بیان مشترکاتی می‌کوشند خود را هم محلی، همشهری و... قلمداد کنند؛

– از خانواده و دوستان یکدیگر می‌پرسند تا دوستان و آشنایان مشترکی بیابند؛

– از ارزش‌های دینی و اخلاقی یکدیگر می‌پرسند تا به نقطه‌ی مشترکی دست یابند.

براساس این مشترکات و مشابهت‌ها، شما و دیگری یا دیگران به تدریج به **مجموعه‌ای واحد** یعنی «ما» تبدیل می‌شوید و با هم یگانگی پیدا می‌کنید. «ما» در این مفهوم، در مقابل



«من» قرار دارد.

– «ما» هم محلی ها

– «ما» آشنایان آقای ...

– «ما» همشهری ها

– «ما» دانش آموزان

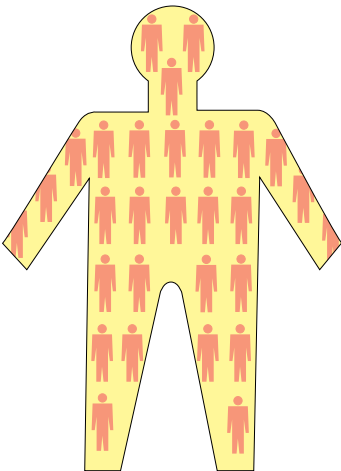
شکل گیری گروه: «ما»ی تشکیل شده ممکن است بسیار **سطحی و محدود** باشد که در این حالت به سرعت از بین خواهد رفت؛ مانند افرادی که در یک کوپه قطار هم سفرند. آنها حتی اگر در طول سفر با یکدیگر خیلی گرم و صمیمی هم باشند، با رسیدن به مقصد «ما»ی هم سفر از بین می رود و هر فرد راه خویش را می گیرد و می رود.

هرچه میزان مشابهت ها و مشترکات بیشتر باشد، «ما»ی تشکیل شده عمیق تر می شود؛ به این ترتیب، **تعامل** طرفین با یکدیگر نیز تداوم می یابد. در چنین حالتی، افراد به عنوان یک **گروه شناخته می شوند؛ به عبارت دیگر، افرادی که خود را «ما» تلقی می کنند و به صورت نسبتاً پایدار و منظم با یکدیگر تعامل دارند**، یک گروه را تشکیل می دهند.

فعالیت ۱-۳ با بررسی نحوه دوست شدن خود با یکی از دوستانتان :

۱- انگیزه دوستی، مشابهت هایی که با یکدیگر داشته اید یا پس از دوست شدن به دست آورده اید و چگونگی روابط میان خود را بنویسید.

۲- نمونه ای از دوستی هایی را که به جدایی انجامیده است، مطرح کرده و علت از هم گسستن پیوند دوستی را مشخص کنید.



هنجارها و ارزش‌های اجتماعی

الگوی عمل (هنجار)

زندگی فرد در گروه در عین اینکه مطلوب و مفید است، برای او محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند. فردی که در گروه زندگی می‌کند، نمی‌تواند آزادانه و هرطور که می‌خواهد عمل کند و **باید** برای بقای گروه کارهای خاصی را انجام دهد.

— دو نفر که با هم دوست می‌شوند، باید به خواست‌های یکدیگر توجه کنند؛ در رابطه خود با یکدیگر رفتارهای خاصی داشته باشند که ابراز محبت، سلام کردن، خبر گرفتن از هم و ... نمونه‌هایی از این رفتارهاست.

— فردی که عضو تیم فوتبال می‌شود، باید قواعد بازی فوتبال را رعایت کند. او آزاد نیست که توپ را به هر شکل که می‌خواهد به کار ببرد و ...

به رفتارها و اعمالی که فرد با عضویت در گروه **باید** آنها را انجام دهد و در صورت رعایت نکردن آنها با مجازات روبه‌رو می‌شود، **الگوی عمل** یا **هنجار** می‌گویند.

در گروه دوستی

— سلام کردن،

— خبر گرفتن از یکدیگر،

— گفت‌وگو و رازداری،

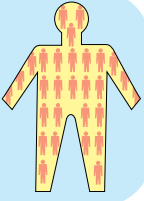
— و ...

الگوی عمل اند.

در یک تیم فوتبال

— توپ را با پا پرتاب کردن

— توپ را به درون محدوده‌ای به نام میدان پرتاب کردن



— و

الگوی عمل محسوب می شوند.

فعالیت ۴-۱ رفتار اعضای خانواده، آشنایان و دوستان خود را

در نظر بگیرید؛

الف— برای هریک از موارد زیر، دست کم دو الگوی عمل مشخص کنید :

— خانواده

— مهمانی

— عبور و مرور در خیابان.

ب— رعایت نکردن این الگوهای عمل، برای فرد چه پیامدهایی دارد؟

ارزش

در زندگی گروهی، امور خاصی برای همه یا بیشتر افراد گروه مهم تلقی می شود. آنها از تحقق این امور احساس خشنودی می کنند و حاضرند برای تحقق آنها گاهی جان خویش را به خطر اندازند. توهین به این امور مهم یا جلوگیری از تحقق آنها موجب ناراحتی و واکنش افراد گروه می شود. به این امور که برای گروه اهمیت دارد، **ارزش های گروه** گفته می شود^۱؛ برای نمونه :

— در تیم والیبال، پیروزی

— در گروه دوستی، صداقت، صمیمیت و ...

— در گروه سرزمینی (ملت)، عزت و استقلال

— برای مسلمانان، یگانه پرستی

ارزش^۲ شناخته می شود.

فعالیت ۵-۱ برای هریک از موارد زیر، دست کم دو ارزش را مشخص کنید :

۱— خانواده

۲— مدرسه

۱- ارزش ها همان هدف های مشترک گروه اند.

۳- مسجد.

فرد برای زندگی در گروه همان طور که باید ارزش های گروه را بپذیرد، الگوهای عمل خاصی را نیز باید بپذیرد.

کسی که خود را ایرانی می داند، با توجه به قبول استقلال و عزت به عنوان دو ارزش :

– خود را ملزم به دفاع از استقلال کشور می داند؛

– هنگام هجوم دشمن حاضر است جان خویش را فدا کند؛

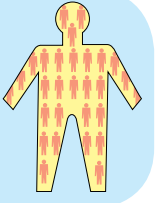
– در مقابل توهین دیگران به ایران و شخصیت های ایرانی از خود واکنش نشان

می دهد؛

– از پیشرفت ها و پیروزی های کشور خوشنود می شود؛

– با کسانی که استقلال کشور را نادیده گرفته اند، دشمن است؛

– و



رابطه گروه‌ها با یکدیگر

شما به عنوان یک فرد، در زندگی اجتماعی تنها عضو یک گروه نیستید.

– در خانواده عضو گروه خانواده

– در محله عضو گروه محله، تیم فوتبال، بسیج، کوه‌نوردی و ...

– در مدرسه عضو گروه دوستی، کلاس، مدرسه، فوق برنامه و ...

– در شهر عضو گروه خوش‌نویسی، ورزشی و ... هستید.

در هر یک از این گروه‌ها، ارزش‌های خاص و الگوهای عمل ویژه‌ای وجود دارد.

ارزش‌ها و الگوهای عمل این گروه‌ها گاهی با هم **همانگ** و گاهی **متضاد**ند؛ برای

نمونه، ممکن است در خانواده اموری چون تجمل و تفاخر مهم باشد که گروه بزرگ‌تر (کشور) آن را ناپسند بداند.

فعالیت ۶-۱ دو گروه اجتماعی را در نظر بگیرید؛

۱- برای هریک از آنها، در یک جدول دو ستونی – مانند نمونه زیر – دو الگوی

عمل و دو ارزش بنویسید.

۲- همانگی یا تضاد میان الگوهای عمل و ارزش‌ها را مشخص کنید.

گروه «الف»	گروه «ب»	همانگی یا تضاد
۱-	۱-	ارزش‌ها
۲-	۲-	
۱-	۱-	هنجارها
۲-	۲-	

در جامعه هیچ‌گاه نمی‌توان حالتی را یافت که در آن همه گروه‌ها با یکدیگر هماهنگ باشند؛ بنابراین، همیشه حدی از تضاد^۱ میان ارزش‌ها و الگوهای عمل گروه‌ها وجود دارد. تضاد میان گروه‌ها هم می‌تواند مفید باشد و موجب تحول جامعه شود و هم در جامعه درگیری، جنگ و نابسامانی ایجاد کند.

اختلافات قومی و قبیله‌ای، تضاد طبقاتی، برخوردهای اقشار مختلف و وجود احزاب با آرمان‌های گوناگون نمونه‌هایی از تعارض‌های گروهی در یک جامعه‌اند که بعضی از آنها برای بقا و رشد جامعه زیان‌آور و بعضی مفیدند.

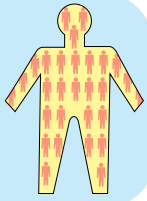
اختلافات قومی و قبیله‌ای در یک جامعه، وحدت ملی (وحدت گروه ملت) را از بین می‌برد و موجودیت گروه ملت را به خطر می‌اندازد؛ درحالی‌که وجود احزاب مختلف با آرمان‌های گوناگون – در عین اختلافاتی که با یکدیگر دارند – برای کنترل دولت مردان و همچنین حفظ منافع گروه‌های مختلف جامعه مفید خواهد بود.

فعالیت ۷-۱ با بررسی روابط میان گروه‌های مختلف جامعه، برای هر یک از تعارض‌های گروهی که می‌تواند نتایج مثبت یا منفی داشته باشد، یک نمونه ذکر کنید و نتایج حاصل از آنها را در جدولی مانند جدول زیر بررسی کنید.

۱- تعارض میان دو گروه که نتایج مطلوب دارد.

۲- تعارض میان دو گروه که نتایج نامطلوب دارد.

ارزیابی	نتایج	نوع تعارض
مثبت و سازنده	موجب رشد علمی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود.	۱- مسابقات دانش‌آموزی ۲-
مثبت و سازنده	
منفی و مخرب	بازی فوتبال که یکی از شیوه‌های رقابت سالم است، باعث ستیزه‌های بی‌هوده می‌شود.	۱- برخورد میان هواداران دو تیم فوتبال ۲-
منفی و مخرب	



گروه ملت و سایر گروه‌ها

امروزه، کلی‌ترین «ما» که یک واحد تقریباً مستقل است، گروه «ملت» نامیده می‌شود؛ گروهی که در داخل مرزهای یک سرزمین مشخص زندگی می‌کند و خود را یک ملت می‌شناسد و دارای دستگاه سیاسی مستقل است. در درون این گروه، اقشار و طبقات، اقلیت‌های قومی و مذهبی، گروه‌های سیاسی و اقتصادی، انجمن‌های دینی، گروه‌ها و فرقه‌های اعتقادی، انجمن‌های خیریه، باندها و ... شکل می‌گیرند. این گروه‌ها در محدوده‌ای که گروه «ملت» به آنها اجازه می‌دهد، دست به فعالیت می‌زنند؛ فعالیت‌های خود را شکل می‌دهند؛ با یکدیگر به تعارض برمی‌خیزند؛ همدیگر را حذف می‌کنند؛ با یکدیگر ائتلاف می‌کنند و ... همراه با این فعالیت‌ها، جامعه هم به طور مداوم اما آرام تغییر می‌کند.

ارزش‌های برخی از گروه‌ها با ارزش‌های ملت مغایر است؛ مانند:

- گروه‌های قومی که خواستار جدا شدن و استقلال‌اند؛
- گروه‌های سیاسی که می‌خواهند حکومت را از بین ببرند؛
- گروه سرمایه‌دارانی که به مقابله با بعضی سیاست‌های اقتصادی که جامعه تعیین کرده است؛ می‌پردازند.

همچنین عمل بعضی از گروه‌ها با زیر پا گذاشتن الگوهای عمل پذیرفته شده در جامعه همراه است؛ مانند:

- باندهای سرقت و قاچاق، خصوصاً قاچاقچیان مواد مخدر که به قصد مال‌اندوزی یا انگیزه‌های دیگر و به بهای نابودی نیروی جوان جامعه، مواد مخدر را به کشور وارد می‌کنند و از این راه هزاران نفر را به نابودی می‌کشاند؛
- باندهای رشوه‌بگیر در اداره‌های دولتی؛

– و ...

گروه ملت به مقابله با این دو نوع گروه برمی‌خیزد و در مقابل آنها از حربه مجازات استفاده می‌کند؛ **بنابراین، حدّ هماهنگی و تعارض در جامعه را کلی‌ترین «ما» (گروه ملت) مشخص می‌سازد.**

به نظر شما، گروه ملت حدّ هماهنگی و تعارض را در جامعه چگونه مشخص می‌کند؟

تأثیرات گروه بر فرد

الف - شکل‌گیری خودآگاهی

به نظر شما زندگی در اجتماع بر فرد چه تأثیری می‌گذارد؟

فعالیت ۸-۱ با اندیشیدن دربارهٔ صفات و خصوصیات خود، به پرسش‌های زیر

پاسخ دهید.

۱- «من» کیستم؟ سعی کنید برای این پرسش، پاسخ‌های متعددی (تا ده پاسخ) بیابید.

۲- یکی از این صفات را انتخاب کنید و توضیح دهید چگونه از وجود چنین صفتی

آگاه شده‌اید.

۳- از این بررسی چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

یکی از علمای اجتماعی^۱ به این پرسش که انسان چگونه از صفات خودآگاه می‌شود،

چنین پاسخ می‌دهد: **هر فردی خود را در آینهٔ دیگران می‌بیند و می‌شناسد.**

اگر شما خود را فردی با هوش می‌دانید، علاوه بر وجود خصایص زیستی و وراثتی،

این تلقی را در ارتباط خود با دیگران به دست آورده‌اید؛ وگرنه در صورتی که واقعاً هم

با هوش باشید، اگر دیگران شما را با این صفت نشناسند، خود را به این عنوان نخواهید

شناخت؛ بنابراین اولین نکته در رابطهٔ فرد و گروه، تأثیر روابط با دیگران در شکل‌گیری

خودآگاهی (آگاهی از خود) فرد است.

فعالیت ۹-۱ از فهرستی که دربارهٔ خود تهیه کرده‌اید، یک صفت را انتخاب کنید؛

۱- آگاهی از وجود این صفت چه اثری بر رفتارها و اعمال شما دارد؟

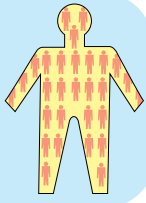
۲- سه الگوی عمل مربوط به این صفت را بنویسید.

فرد در ارتباط با دیگران خود را با صفات خاصی می‌شناسد. این صفات با ارزش‌های

ویژه‌ای همراه‌اند. کسی که با هوش شناخته می‌شود و خودش هم این تلقی را از خود دارد،

از احترام و ارزش برخوردار است و انتظار چنین احترامی را نیز دارد.

۱- چارلز هورتون کولی (Charles Horton Cooley) (۱۸۶۴-۱۹۲۹)



بنابراین، رابطه فرد و گروه بر ارزش و احترام فرد و همچنین انتظارات او از دیگران تأثیر می‌گذارد.

به یاد داشته باشیم که انسان استعداد تغییر و تصحیح شناخت دیگران از خویش را دارد. در صورتی که خود فرد این شناخت را واقعی بداند، پیامدهای آن نیز واقعی خواهد بود و بالعکس.

ب - شکل‌گیری جهت‌گیری‌ها

بسیار اتفاق افتاده که فرد با عضویت در گروه جدید پیوندهای خود را با گروه‌های دیگر گسسته است؛ مثلاً با افرادی که تاکنون با آنان دوست بوده است، قطع رابطه می‌کند و حتی به دشمنی با آنها برمی‌خیزد. همچنین خود را با افرادی که تاکنون نمی‌شناخته، دوست و یگانه می‌داند. از این رو، می‌توان گفت عضویت در گروه برای فرد «جهت‌گیری» خاصی را به دنبال دارد.

فعالیت ۱-۱ برای آگاهی از عمق تأثیر عضویت گروهی بر جهت‌گیری‌ها و اعمال فرد، بررسی زیر را انجام دهید و آن را مطابق نمونه در جدولی تنظیم کنید.

۱- سه مورد از دوستی‌ها و دشمنی‌ها، اظهارنظرها و اعتقادات خود را درباره امور و اعمالی که در طول یک روز انجام می‌دهید، فهرست کنید.

۲- مشخص کنید که کدام یک از آنها از موضع «گروه»ها و کدام یک از موضع «خود» جدا از این «گروه»ها انجام شده است.

جهت‌گیری‌ها	دلایل	«ما» یا «من»
۱- در میان رنگ‌ها، از رنگ آبی آسمانی بیشتر خوشم می‌آید.	زیرا نگاه کردن به آن به من آرامش می‌بخشد.	«من»
۲- از رانندگانی که به چراغ قرمز توجه نمی‌کنند، بدم می‌آید.	زیرا آنها حقوق شهروندان را زیر پا می‌گذارند.	«ما»ی شهروندی
۳-
۴-
۵-

گروه و جوان

اگرچه فرد در تمام مراحل زندگی در گروه زندگی می‌کند ولی در دوره‌هایی از زندگی، گروه برای او اهمیت بیشتری می‌یابد. یکی از این دوره‌ها دوره نوجوانی است که طی آن، فرد با عضویت در گروه‌هایی غیر از خانواده، نقطه اتکایی برای عمل مستقل خویش می‌یابد و با پذیرفتن نقش‌های مختلف در گروه، در مسیر شکل دادن به **شخصیتی متکی به خود** گام برمی‌دارد؛ برای پذیرفتن نقش‌های آینده در جامعه آماده می‌شود و به‌طور کلی، با جهان اجتماعی بیرون از خانواده بیشتر آشنا می‌گردد و آن را می‌آزماید.

آرمان‌هایی که در جوانی سر برمی‌آورند، او را به سوی یافتن همفکر و همراه و تشکیل گروه سوق می‌دهند. زندگی در گروه براساس آرمان‌ها و اعتقادات خویش و فارغ از امر و نهی خانواده تجربه‌ای جدید است که جوان به آن دست می‌یازد.

در این مرحله، عضویت در گروه گامی اساسی و مهم در جهت استقلال جوان و رشد و تکامل وی محسوب می‌شود. گروه واسطه‌ای میان زندگی فرد در خانواده و زندگی وی در جامعه است.

فرد در سنین کودکی بیشتر نقش انفعالی دارد اما در دوره نوجوانی و جوانی فعال می‌شود؛ اندیشه‌ها و احساس‌هایی او را از درون برمی‌انگیزاند؛ کشش به عمل مستقل، او را به سوی افراد همفکر و همراه فرا می‌خواند؛ بنابراین تا حدّ زیادی به صورت **هدف‌دار** به تشکیل گروه می‌پردازد. در این حالت، گروه فقط مجرای برای اجتماعی شدن او نیست، بلکه **پایگاهی** است که از آن:

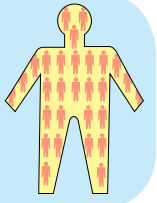
– جهت‌گیری

– برخورد

و عمل می‌کند.

به عبارت دیگر، فرد با زندگی گروهی به میدان رقابت، سازش و برخورد با گروه‌های دیگر پا می‌گذارد و زندگی در اجتماع بزرگ‌تر را تجربه می‌کند.

از این مرحله به بعد، فرد براساس عقاید، علایق و منافع خویش به گروه‌ها می‌پیوندد،



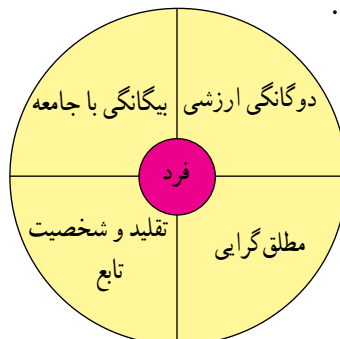
از آنها جدا می‌شود و در قالب گروه‌ها عمل می‌کند.^۱
فعالیت ۱-۱ درباره ملاک‌های انتخاب گروه (برای مثال گروه دوستی) در کلاس گفت‌وگو کنید.

۱- امام صادق (ع): «دوستی ویژگی‌هایی دارد هرکس همه یا برخی از آنها را داشت می‌توان او را به‌عنوان دوست خود انتخاب کرد (۱) ظاهر و باطن او یکسان باشد؛ (۲) آنچه موجب زینت شما می‌شود به‌عنوان زینت خود حساب کند؛ (۳) رسیدن به مال و قدرت، رفتار او را تغییر ندهد؛ (۴) از چیزهایی که در اختیار اوست نسبت به تو دریغ نکند؛ (۵) در موقع سختی‌ها تو را رها نکند» (اصول کافی، جلد دوم، ص ۶۳۹)

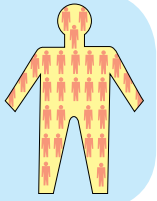
آسیب‌های گروه

گروه و زندگی گروهی با وجود اهمیتی که برای فرد دارد، گاه پایگاهی می‌شود که او در آن به ستیزه با ارزش‌های اجتماع و گروه بزرگ‌تر برمی‌خیزد و به سوی تخریب نظم اجتماعی سوق می‌یابد؛ به عبارت دیگر، گروه‌ها در ارتباط خویش با جامعه شمشیر دو دم‌اند، که هم می‌توانند نظم جامعه را تحکیم بخشند و هم آن را تخریب کنند؛ هم می‌توانند فرد را به پاسداری از ارزش‌های اجتماع وادارند و هم او را به فردی مخالف با جامعه تبدیل کنند. بنابراین، گروه می‌تواند به وضعی دچار شود که نه به نفع فرد است و نه به نفع جامعه. گروه با انحراف از اهداف جامعه می‌تواند تا مرز **نابودی** افراد و جامعه پیش رود مانند باندهای قاچاق و معتادان وابسته به آنها که نه تنها به اخلاق و ارزش‌های انسانی پایبند نیستند بلکه به اصرار می‌خواهند دیگران را نیز به بدبختی خود گرفتار سازند و از این عمل نیز احساس خشنودی می‌کنند؛ در حالی که به این ترتیب، خود و جامعه را به سوی نابودی و تباهی سوق می‌دهند.

از این رو، شناخت آسیب‌های گروه – حالت‌هایی که گروه هماهنگ با جامعه عمل نمی‌کند یا دچار حالاتی غیرعادی می‌شود – به اندازه شناخت گروه اهمیت دارد. اکنون مواردی چند از آسیب‌های گروه و نتایج آن را بر فرد و جامعه طرح می‌کنیم و یافتن موارد دیگر را بر عهده شما می‌گذاریم.



آسیب‌های گروه



الف - دوگانگی ارزشی

فرض کنید در جامعه‌ای که ارزش‌های حاکم بر آن ارزش‌های دینی است، فرد در گروهی عضویت داشته باشد که در آن، ارزش‌های دینی رعایت نمی‌شود؛ در چنین حالتی چه پیش خواهد آمد؟

مدرسه، رسانه‌ها و خانواده، فرد را به سوی ارزش‌های دینی سوق می‌دهند و گروه مذکور او را به ارزش‌های غیردینی فرا می‌خواند. فرد اگر بخواهد هم عضو گروه باقی بماند و هم به ارزش‌های جامعه وفادار باشد:

— نسبت به ارزش‌های جامعه و گروه هر دو تردید خواهد کرد و نوعی نفاق و دورویی در وی شکل خواهد گرفت؛

— در تصمیم‌گیری‌ها دچار تردید خواهد شد؛

— شخصیت متزلزلی خواهد داشت؛

— دچار افسردگی و نگرانی‌های شدید می‌شود یا به عکس، حالت پرخاشگری از

خود نشان می‌دهد.

— و . . .

در این حالت، او به **دوگانگی ارزشی** دچار شده است؛ گروه به جای اینکه از او

شخصیتی مستقل بسازد، وی را دچار سرگردانی کرده است.

فعالیت ۱۲-۱ جوانی را در نظر بگیرید که در خانواده‌ای مذهبی بزرگ شده و

سپس به گروهی بی‌اعتنا به اعتقادات مذهبی گرویده است. اگر این جوان بخواهد با هر دو

گروه (خانواده و گروه جدید) باقی بماند، سه حالت و رفتار ناشی از این دوگانگی ارزشی

وی را مانند مثال زیر بررسی کنید.

ارزش‌های دینی خانواده	ارزش‌های غیردینی گروه جدید	حالت و رفتار فرد در دوگانگی ارزشی
۱- فرد به معاد اعتقاد دارد و برای کارهای خود حساب و کتابی و برای این جهان قائل است.	۱- زندگی را به همین دنیا محدود می‌داند و جز انسان‌ها کسی را ناظر بر اعمال خویش نمی‌شناسد.	۱- در مورد هستی و هدف زندگی دچار سرگردانی است.
۲-	۲-	۲-
۳-	۳-	۳-
۴-	۴-	۴-

ب - بیگانگی از جامعه

فرض کنید عضویت در گروهی که ارزش‌های جامعه در آن رعایت نمی‌شود، برای فرد اهمیت فوق‌العاده‌ای بیابد، تا آنجا که ارزش‌های گروهی را بر ارزش‌های جامعه ترجیح دهد؛ در این حالت، فرد:

- نسبت به ارزش‌های جامعه یا بخشی از آنها بی‌اعتقاد خواهد شد؛
- در جهت برخورد با ارزش‌های جامعه عمل خواهد کرد؛
- به فردی نابهنجار در جامعه تبدیل خواهد شد؛
- و ...

در این حالت، او با **جامعه خویش بیگانه** شده است؛ در واقع، گروه به جای اینکه او را به شهروندی، که حافظ ارزش‌های جامعه است، تبدیل کند، به فردی که با جامعه خویش سرستیز دارد، تبدیل کرده است.

فعالیت ۱۳-۱ گروهی را نام ببرید که ارزش‌هایی مغایر با ارزش‌های جامعه دارد. سپس، دست کم سه پیامد عضویت در چنین گروهی را مشخص کنید.

پ - مطلق‌گرایی گروهی

اکنون حالتی را در نظر بگیرید؛ فرد در گروهی عضویت دارد که آن گروه تنها ارزش‌های خود را درست می‌داند و فرد نیز این اعتقاد را می‌پذیرد. فردی که عضو چنین گروهی است:

- انتقاد نمی‌پذیرد؛

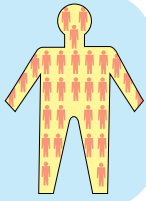
- در مقابل انتقاد دیگران واکنش شدید و اغلب خشنونت‌آمیز نشان می‌دهد؛

- تعصب نسبت به گروه چشم او را بر حقایق می‌بندد؛

- گرایش به دیکتاتوری و اعمال زور خصوصیت شخصیتی وی می‌شود؛

- و ...

در چنین حالتی، فرد به **عدم انعطاف و تحجر** دچار شده است؛ گروه به جای اینکه از او در زندگی اجتماعی فردی فعال و خلاق بسازد، او را به عنصری ناسازگار، پرخاشجو و مخرب تبدیل کرده است.



فعالیت ۱۴-۱ نتایج مطلق گرایبی را در موارد زیر بررسی کنید :

- ۱- انتخابات
- ۲- تعیین مدیریت ها
- ۳- اجرای برنامه های عمرانی .

ت - تبعیت بی چون و چرا در گروه و ایجاد شخصیت تابع

از دیگر آسیب های گروه که هم فرد و هم جامعه از نتیجه آن خسارت می بیند، تبعیت بی چون و چرا از رهبران گروه است. در گروه هایی که انتقاد و سؤال، نابهنجار شناخته می شود، فرد به جای اینکه با زندگی گروهی به شخصیتی مستقل و خودآگاه تبدیل شود، به موجودی تابع، بدون اندیشه و وسیله ای برای تحقق اهداف رهبران گروه تبدیل می شود. در چنین حالتی، او :

- توانایی اندیشیدن را از دست می دهد؛
- نمی تواند مستقل تصمیم بگیرد و عمل کند؛
- به شخصیتی تابع تبدیل می شود که جز تبعیت نمی تواند کاری انجام دهد؛
- و ...

چنین افرادی بهترین وسیله برای اعمال دیکتاتوری رهبران و انجام هرگونه عمل غیرانسانی اند. گروه های خلافکار، تبهکار و سازمان های سری و مخفی نمونه های این نوع گروه هاند.

فعالیت ۱۵-۱ برای اینکه یک گروه دچار آسیب تبعیت بی چون و چرا نشود، چه ویژگی اساسی باید داشته باشد؟ در کلاس درباره این موضوع گفت و گو کنید.

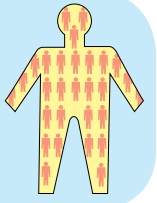
آنچه گفتیم، مواردی از آسیب های گروه است که به نوبه خود آسیب های روانی و انسانی افراد عضو را به دنبال دارد.

به دلیل وجود این گونه آسیب ها، انتخاب گروه به خصوص برای جوانان انتخابی بسیار مهم است؛ زیرا اشتباه در این انتخاب به تغییر مسیر زندگی جوان و گاه تباهی او می انجامد.

پرسش‌های فصل

- ۱- دوره نوجوانی را از نظر نیازهای اجتماعی با دوره کودکی مقایسه کنید.
- ۲- نتایج شناخت نادرست محیط اجتماعی را توضیح دهید.
- ۳- شناخت علمی جامعه چگونه به دست می‌آید؟
- ۴- با ذکر چند مثال، شناخت علمی را با شناخت غیرعلمی مقایسه کنید.
- ۵- علل گرایش انسان به زندگی گروهی چیست؟
- ۶- عامل یا کنش متقابل اجتماعی را با ذکر چند مثال توضیح دهید.
- ۷- گروه را با توجه به ویژگی‌های اصلی آن تعریف کنید.
- ۸- مفهوم الگوی عمل (هنجار) چیست؟
- ۹- ارزش را با ذکر یک مثال توضیح دهید.
- ۱۰- گروه‌های مختلف در چه شرایطی جامعه را به نابسامانی دچار می‌کنند؟
- ۱۱- تأیید توانایی‌ها و استعدادهاى فرد توسط دیگران، چه تأثیری بر شخصیت او دارد؟
- ۱۲- چرا عضویت در گروه در دوره نوجوانی از اهمیت بیشتری برخوردار است؟
- ۱۳- دوگانگی ارزشی در گروه چه تأثیری بر شخصیت اعضای گروه دارد؟
- ۱۴- اگر در یک گروه، افراد اجازه نقد و بررسی مسائل گروه را نداشته باشند، چه مشکلاتی

پیش می‌آید؟



مروری بر فصل

- ۱- اگر شخص از خود و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه خود شناختی صحیح نداشته باشد، نمی‌تواند تصمیمات منطقی و صحیح بگیرد.
- ۲- شناخت حاصل از تجربیات زندگی، به تدریج و در اثر برخورد با محیط حاصل می‌شود.
- ۳- شناخت علمی با مطالعه منظم و دقیق زندگی جوامع انسانی به دست می‌آید.
- ۴- فرد در جامعه می‌کوشد با دیگر افراد جامعه ارتباط برقرار کند.
- ۵- طبع جامعه‌گرای انسان و تأمین نیاز از عواملی است که انسان را به برقراری روابط اجتماعی با دیگران سوق می‌دهند.
- ۶- اگر رفتار فردی، پاسخ فرد دیگری را برانگیزد؛ میان آنها رابطه متقابل برقرار می‌شود که به آن «تعامل اجتماعی» می‌گویند.
- ۷- اگر تعامل اجتماعی میان چند نفر تداوم پیدا کند، بین آنها احساس مشترکی به وجود می‌آید که از آن به «ما» تعبیر می‌شود.
- ۸- اگر احساس «ما» میان چند نفر عمق بیشتری پیدا کند و تعامل اجتماعی میان افراد منظم و پایدار باشد، «گروه» تشکیل می‌شود.
- ۹- الگوی عمل یا هنجار، شکلی از رفتار است که در صورت رعایت نکردن آن، فرد با مجازات روبه‌رو می‌شود.
- ۱۰- آنچه برای گروه و افراد آن مهم و مطلوب تلقی می‌شود، ارزش است.
- ۱۱- ممکن است میان گروه‌های مختلف در جامعه هماهنگی یا تضاد وجود داشته باشد. اگر تضاد گروه‌ها به افراط بکشد، رشد و تکامل جامعه مختل می‌شود.
- ۱۲- روابط فرد با دیگران و طرز تلقی آنان نسبت به او باعث می‌شود که خودآگاهی فرد شکل بگیرد.

۱۳- عضویت در گروه برای فرد جهت گیری خاصی را به دنبال دارد.

۱۴- فرد می تواند روابط خود را با گروه قطع کند و به گروه دیگری بپیوندد.

۱۵- دوگانگی ارزشی، بیگانگی از جامعه، مطلق گرایی و تبعیت بی چون و چرا در گروه از آسیب های گروهی اند.

۱۶- اگر فرد آفت ها و آسیب های گروهی را بشناسد، در انتخاب گروه و عضویت در آن توفیق بیشتری خواهد یافت.